

## نقدی بر منطق و معرفت در نظر غزالی \*

حسن سید عرب \*\*

آیا نقد یک اندیشه و تشکیک در صحت یک فکر، می تواند جریان اندیشه و تفکر را متوقف سازد و آن را از صحنه حیات بیرون راند یا برعکس، هر گونه تشکیک در صحت یک اندیشه، نوعی اندیشه جدید است که در مسیر تکامل اندیشه ها، نقش خود را ایفا می نماید؟<sup>۱</sup> با این همه تحقیق که تاکنون در احوال و آثار ابو حامد غزالی انجام یافته است<sup>۲</sup>؛ هنوز درباره زندگی و اندیشه های او موارد ابهام کم نیست. این نکته نه فقط ناشی از تاریکیهایی است که بر تاریخ عصر او - تاریخ سلاجقه - سایه افکنده است بلکه تا حد زیادی نیز ناشی از تنوع آثار اوست که بعضی از آنها هنوز به صورت خطی باقی مانده<sup>۳</sup> و برخی بدون چاپ

\* منطق و معرفت در نظر غزالی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰، ۵۵۴ ص.  
\*\* پژوهشگر گروه فلسفه بنیاد دایرة المعارف اسلامی.  
۱. مقدمه همان کتاب، ص ۱۱.

۲. امام محمد غزالی در عمر بالنسبه کوتاه خود ۵۵ سال - آثار بسیاری پدید آورد که از نظر ابتکار و اصالت و تنوع و تأثیری که در آیندگان گذارد در جهان اسلام کم نظیر است. خود او در یکی از نامه های فارسیش می گوید: «تا پنجاه سالگی در علوم دین نزدیک هفتاد کتاب تصنیف کرده ام». محمد حسینی واسطی (متوفی ۷۷۶) در الطبقات العلیة فی مناقب الشافعیة تعداد آثار او را ۹۸ عنوان، سبکی (متوفی ۷۷۱) در طبقات الشافعیة ۵۸ عنوان، طاش کبری زاده (متوفی ۹۶۲) در مفتاح السعادة ۴۸ عنوان، زبیدی در اتحاف السادة (سال تألیف ۱۱۹۳ ق.)، ۸۰ عنوان، مرحوم همایی در غزالی نامه ۱۵۱ عنوان، موريس بویژ (M. Bouyjes) در کتابشناسی غزالی (به زبان فرانسه) ۳۸۹ عنوان، و عبدالرحمن بدوی در مؤلفات الغزالی ۴۵۷ عنوان ذکر کرده اند. جهت اطلاع بیشتر رک: کامران فانی، فهرست آثار چاپی غزالی، معارف، دوره اول، شماره سوم، آذر و اسفند ۱۳۶۳، ص ۲۰۹.

۳. برخی از آنها عبارتند از:

- احیاء علوم الدین، ۱۲۷۹ ق، لکنه، سنگی ۱۲۸۱ ق/ ۱۸۶۴ م. این کتاب با آن که به نوبت های فراوانی به زبانهای مختلف چاپ شده است اما هیچیک از چاپهای آن چاپ دقیق انتقادی نیست.  
- منهج العابدین، بی تا، لاهور، سنگی ۱۲۹۴ ق.  
- تهافت الفلاسفه، بمبئی، سنگی ۱۳۰۴ ق.

دقیق انتقادی است،<sup>۱</sup> و پاره‌ای با عنوانهای مختلف یاد شده است<sup>۲</sup> و تعدادی را دیگران به نام او برساخته‌اند، یا این که در اصالت آنها محل تردید است.<sup>۳</sup> بعلاوه وسعت و تنوع قلمرو آثار و افکار وی که غالباً مشحون از سخنان تازه یا توجیه‌های بی سابقه است، امکان احاطه پژوهنده را به سراسر قلمرو آثار او دشوار می‌نماید، چرا که در همه تاریخ و فرهنگ اسلامی شاید کمتر کسی را بتوان یافت که به قدر غزالی تنوع تمام عرصه یک فرهنگ را در زندگی و اندیشه خویش به این حد برمایه و جاندار تصویر کرده باشد.<sup>۴</sup> کتابهای او متغیر بین ۴۰ الی ۴۵۷ عنوان تألیفی است که با کمال تأسف به قول یکی از اندیشمندان معاصر در ۸۰ کتابخانه معتبر ایران حتی یک دهم آثار چاپی غزالی موجود نیست.<sup>۵</sup>

به هر حال، غزالی هنگامی که داستان رهایی خویش را از سرگشتگی‌ها و گمراهیهای فکری بیان می‌کند، لحنی چنان صادقانه دارد که می‌توان گفتار او را به رغم پاره‌ای از مسامحات که در ترتیب اجزاء آن هست «اعتراف» خواند. با این همه، اعتراف او در واقع داستان سیر و سلوک اندیشه اوست که سالها او را زیر

۱. همانجا.

۲. این عنوانها که محتاج تفکیک موضوعی اند، معمولاً با برخی از مضامین شروع و با احیاناً به نام آنها به جاب رسیده‌اند، مانند:

- المستصفی من علم الاصول و بذیله فوائده الرحموت بشرح مسلم الثبوت.

- مشکوة الانوار (ضمن جواهر الغزالی) حلب، ۱۹۲۲ م؛ حقق و قدم لها، ابوالعلاء عقیفی، القاهرة، الدار القومیة، للطباعة و النشر، ۱۹۶۶ م.

- کیمیاء سعادت و بلیها الرسالة اللدنیة، مصر، المکتبة المحمودیه التجاریه، ۱۹۶۶ م؛ المنقذ ... و معه کیمیاء السعاده و ... تقدیم و تحقیق محمد مصطفی ابوالعلاء و محمد محمد الجابر، مصر، مکتبة الجنیدی، ۱۹۷۳ م.

۳. نگاه کنید به:

تفسیر سورة یوسف، سز العالمین فی تفسیر سورة یوسف، بمبئی، ۱۸۹۴ م. تحت عنوان بحر المحبة و اسرار المودة، دهلی، ۱۹۰۰ م، تحت عنوان احسن القصص، تهران ۱۳۱۲ ق.

- جامع الحقایق بتجدید العلائق، لکنهو، ۱۸۶۹ م.

- سز العالمین و کشف ما فی الدارین، القاهرة، ۱۳۰۴ ق، تهران، مطبعة میرزا حبیب‌الله و محمد تقی، خط محمد باقر موسوی اصفهانی، ۱۳۰۵ ق، القاهرة، ۱۳۲۴، ۱۳۲۷، بمبئی ۱۳۱۴ ق، النجف، مطبعة النعمان، مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۹۶۵ م.

۴. فرار از مدرسه، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۹. ص یک.

۵. اسماعیل سعادت، «یادی از حجة الاسلام غزالی»، معارف، دوره اول، شماره ۳، آذر و اسفند ۱۳۶۳،

رواق مدرسه‌ها در کشاکش جاذبه‌های متضاد بین عقل و ذوق به سرگردانی واداشت و سرانجام برای او تنها یک راه قابل قبول باقی گذاشت: «فرار از مدرسه»<sup>۱</sup> و این در حالی است که او یکی از بزرگترین علمای عالم اسلام و در احاطه بر همه رشته‌های معارف اسلامی از کلام، فقه، فلسفه، عرفان، منطق، جدل و... یگانه عصر خود بود و کمتر عالمی در اصالت فکر و وسعت دانش و روشنی و روانی بیان به پایه او می‌رسد. غزالی تمامی عمر را در دانش‌اندوزی و مطالعه و تعمق و تفکر و پاسخگویی به شبهات مخالفان سپری نمود و یک دم از خواندن و نوشتن و تعلیم طالبان علم دین، نیاورد، زندگی و اندیشه‌اش یکی بود و به تعبیر دیگر در اندیشه‌اش می‌زیست.<sup>۲</sup>

کتاب منطق و معرفت در نظر غزالی، آخرین کتابی است که در ایران<sup>۳</sup>

۱. با کاروان اندیشه، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۱۲۳.
۲. اسماعیل سعادت، همان مقاله، ص ۳.
۳. کتبی که برخی از آنها درباره غزالی و برخی نیز تصحیح و شرح و یا ترجمه آثار وی بوده است:
  - ترجمه احیاء علوم الدین، از مؤیدالدین محمد خواندمی، به کوشش حسین خدیوجم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۱، ۱۳۵۹ ش، ۸ جلد.
  - المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، مونی محسن فیض‌الکاشانی، صحیح و علق علیه، علی‌اکبر غفاری، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ۸ جلد در ۴ مجلد.
  - تحفة الملوک، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال اول، شماره ۲ و ۳، ۱۳۴۴ ش.
  - تفسیر سورة یوسف، سؤال‌العین فی تفسیر سورة یوسف، تحت عنوان احسن القصص، تهران، ۱۳۱۲ ق.
  - ترجمه فارسی تهافت الفلاسفه، علی‌اصغر حلبی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱ ش، چاپ دوم کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۶۳.
  - رساله الطیر، در دو مجموعه الجواهر الغوالی و القصور العوالی، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۵۵ ش / ۱۳۹۶ ق: انجمن فلسفه، (ذیل رساله الطیر احمد غزالی) ترجمه محمدعلی مزده، گوهر، سال ۴، شماره ۷، مهر ۱۳۵۵ ش. به کوشش احمد مجاهد (همراه با آثار غزالی)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ ش.
  - الرسالة الوعظیه، ضمن مجموعه الجواهر الغوالی و القصور العوالی.
  - فضل الانام من رسایل حجة الاسلام، به اهتمام سید احمد منشی فضل‌الدین کشمیری، لاهور، ۱۸۹۹ م، با مقدمه و حواشی و تصحیح مؤید ثابتی، تهران، ۱۳۳۳ ش. مکاتب فارسی غزالی به نام فضل الانام من رسایل حجة الاسلام، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۳ ش (چاپ دوم، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش).
  - مشکوٰة الانوار، ترجمه فارسی از بهران‌الدین حموی، تبریز، اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۵۱ ش؛ ترجمه زین‌الدین کیانی‌نژاد، تهران ۱۳۶۳ ش. (به ضمیمه متن عربی).

در باره نقد و تحلیل آثار غزالی به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> در فهرست مطالب آن می‌خوانیم: مقدمه / ۹، آیا منطق منشأ آسمانی دارد؟ / ۵۵، نبوت و معجزات / ۹۱، آنچه انسان ادراک می‌کند، نمونه‌ای از آن را در خود دارد / ۱۰۶، معنی عالم یا عوالم در نظر غزالی، موازنه میان عالم محسوس و عالم معقول / ۱۴۱، آیا پیغمبر انسان برتر است یا برتر از انسان؟ / ۱۷۲، جوهری که خاصیت آن معرفت حق است / ۱۷۹، تعقل و سیاست / ۱۹۹، فضیلت‌های چهارگانه / ۲۱۹، در تاریخ تکرار نیست / ۲۳۲، در قرآن تکرار نیست / ۲۵۱، در میان اسمهای خداوند ترادف نیست / ۲۶۰، صمدیت دلیل واحدیت و احدیت است / ۲۸۰، اتفاق در کجاست و اختلاف در چیست؟ / ۲۹۱، اختلاف و سفسطه / ۳۰۷، عقل حاکمی است که معزول نمی‌شود / ۳۲۲، حد و ماهیت عقل / ۳۳۷، تحقق معقول و حیرت عقلا / ۳۵۶، تعاون و ارتباط علوم با یکدیگر / ۳۷۰، شبهه در باب نظر و موضع غزالی / ۳۸۴، حقیقت علم و ادراک / ۳۹۶، حد حد یا حقیقت تعریف / ۴۱۰، ذاتی و عرضی در باب کلیات خمس / ۴۳۳، ماده و صورت حد / ۴۴۶، حد از طریق برهان بدست می‌آید / ۴۶۲، معنی غیر مرکب را نمی‌توان تعریف کرد / ۴۷۴، مقدمات قیاس / ۴۸۵، اقسام حجج یا طرق استدلال، تعادل، تلازم و تعاند، سه میزان منطق / ۵۱۶، رای و قیاس یا میزان شیطان / ۵۳۴، وجه دلیل عین مدلول است یا غیر آن / ۵۴۶. طرز اسلوب و بیان مؤلف در نقد نظریات غزالی از دو جنبه اختصاصی و تحقیقی برخوردار است (۱): استناد، (۲): استنباط. کوشش مؤلف در

←

- ترجمه فارسی: غزالی با شما سخن می‌گوید (؟) به تصحیح و مقدمه (و ترجمه ؟) مدرس گیلانی، تهران، انجمن تبلیغات اسلامی، ۱۳۲۲ ش و تهران، عطایی، ۱۳۴۱ ش و ۱۳۵۰ ش؛ اعترافات غزالی، ترجمه زین‌الدین کیانی‌نژاد، تهران، ۱۳۲۵ ش؛ راهنمای گمراهان، ترجمه محمد مهدی فولادوند، محمدی، ۱۳۴۸ ش؛ شک و شناخت: ترجمه صادق آئینه‌وند؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.  
- منهاج العابدین، ترجمه فارسی، ببینی، بی‌تا؛ لاهور، سنگی ۱۲۹۴ ق؛ ترجمه عمر بن عبدالجبار سعدی، تصحیح احمد شریعتی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۹ ش.  
- نصیحة الملوک، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، مجلس ۱۳۱۵-۱۳۱۷ ش؛ ویرایش دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱ ش.

۱. درباره احصاء آثار غزالی و نیز اطلاع بیشتر از یادداشت‌های تعدادی از پاورقی‌ها، رجوع کنید به: کامران فانی، «فهرست آثار غزالی»، فصلنامه معارف، دوره اول، شماره ۳، آذر و اسفند ۱۳۶۳، ص ۲۰۹.

این دو طیف قابل تحسین است، و آشنا ساختن خواننده با متن نظریات غزالی نیز مبین اهتمام شایسته وی است. ناگفته نماند آنچه که در نظر اول به چشم خواننده باریک بین می آید تعجیل نسبتاً مشهودی است که در چاپ کتاب صورت پذیرفته است که استقصاء نارسایی های کامل آن در حوصله این مختصر نیست فی المثل نداشتن فهرستی جامع و کلی نمونه ای از این موارد است در حالی که فهرست راه ورود و دست یافتن به اطلاعات و از ساده ترین و کارآمدترین ابزارهای اطلاعاتی است و وجود چنین مزیتی برای کتابهای ارزشمند و ماندگار زمینه ای است که با پیوسته شدن آنها به نظامهای اطلاعاتی، دسترسهای عمومی و تخصصی به آنها را میسر می نماید<sup>۱</sup> و نیز پاره ای از اغلاط مطبعی،<sup>۲</sup> نداشتن سرصفحه های موضوعی در سربرگ هر ورق، بهره گیری از مطالب این کتاب را کمی دشوار کرده است. همچنین علی رغم اهتمام مؤلف در بکارگیری دقیق متون و مآخذ، پاره ای از مسامحات در ارجاعات به چشم می خورد فی المثل نقل قول ابن خلدون در (ص ۴۰) به علت عدم ذکر نوبت چاپی کتاب مزبور، مبهم است. نیز قول کانت در باب مابعدالطبیعه که در (ص ۱۰) آمده است مربوط به (ص ۷) از کتاب ترجمه تمهیدات کانت است، همچنین ارجاعات صفحات ۳۷، ۴۶۰ و ۴۸۰ به علت عدم ذکر صفحات آن مآخذ، کار تحقیق را بر خواننده مشکل می گرداند.

به هر حال کتاب مزبور ضمن اشمال وسیعی که بر آثار غزالی دارد با مقدمه ای نسبتاً طولانی آغاز می گردد و تصویری از حیات فکری غزالی را ترسیم می نماید که بیشتر مبین حرکت جوهری روح جستجوگر وی در اسفار سلوک و قرب الهی است. پس از این مقدمه، مباحث و موضوعات اصلی و مورد نظر مؤلف آغاز می گردد و از

۱. عبدالحسین آذرنگ، «فهرست پایان کتاب در عصر اطلاعات»، آینه پژوهش، سال دوم، شماره پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، ص ۸.

۲.	(صفحه)	(غلط)	(درست)
۳۰	طننت	طننت	طننت
۳۷	حجت	حجت	حجت
۴۱	حنالفاخوری	حنالفاخوتی	حنالفاخوری
۴۹	فاساله	فاساله	فاسنله
۵۲	آن	آن	ان
۱۰۴	رحمه اله	رحمه اله	رحمه الله

آنجا که پاره‌ای از آنها شکل استفهامی دارد لذا مؤلف می‌کوشد که پاسخی منطقی و علمی را برای سؤالات مطروحه خود بیابد. فی‌المثل در پاسخ این سؤال: «آیا منطوق منشأ آسمانی دارد؟» چنین نتیجه‌گیری می‌کند که «غزالی باب مشاهده را مفتوح می‌داند و خود را نیز اهل نوعی از مشاهده باطنی معرفی می‌نماید.» (ص ۱۴).

نبوت و معجزه و کرامات نبی که از بحث‌های کلامی و از موضوعات مورد علاقه غزالی است و عنوان فصل بعدی است. تحلیل قول غزالی مبتنی است بر این که وی وجود انبیاء را دلیل امکان نبوت دانسته و برای وقوع و تحقق نبوت دلیلی شگفت‌انگیز را مطرح می‌نماید. وی علم طب و نجوم را از جمله معارفی می‌داند که جز از طریق الهام و توفیق بشری راه حصول دیگری ندارند زیرا از طریق عقل نمی‌توان به این علوم دست یافت (ص ۱۰۲).

و این که غزالی علیرغم مخالفت شدید با فلاسفه، خود به یک معنی در زمره فلاسفه قرار می‌گیرد از مباحث تحلیلی فصل بعدی است که تحت عنوان: آنچه انسان درک می‌کند، نمونه‌ای از آن را در خود دارد.

بنابراین غزالی معتقد است که هر یک از ادراکات بشری برای آن آفریده شده است که انسان بتواند به وسیله آن یکی از عوالم را درک کند. عوالم در نظر وی جز وجودات چیز دیگری نیستند.

به هر حال مؤلف در فصل: «آیا پیغمبر انسان برتر است یا برتر از انسان است؟» این نتیجه را می‌گیرد که: «غزالی معتقد به نبوت اکتسابی است و عنوان مشارکت در نبوت را نیز برای اربابان ذوق و بصیرت مطرح کرده است» (ص ۱۷۲). سخن وی نیز در باب معرفت حق از نظر مؤلف این است که: «وقتی وی حرکت فکر و اندیشه را در انسان با تعریف الهی توجیه می‌کند، در واقع به عقیده اشاعره در این باب اشاره نموده است و هنگامی که تسدید در قول و تأیید در فعل را مطرح می‌کند، مسأله خالق بودن حق و کاسب بودن انسان را مورد توجه قرار می‌دهد.» (ص ۱۹۸).

در باب معاد سهم غزالی از سایر متکلمان اسلامی بیشتر است زیرا وی در بیشتر آثار خود این مسئله را مطرح کرده است. در مورد قرآن و علوم قرآنی نیز معتقد است که در قرآن تکرار نیست زیرا «مکرر» چیزی است که سود و فایده‌اش

پیش از آن در اصل گفته شده است (ص ۲۵۰). غزالی اسماء خداوند را در یک عدد معین محصور می‌داند البته مراد از یک اسم همواره معنی آن است نه صرف الفاظ و حروف (ص ۲۶۰). در سفسطه نیز تفاوت افراد بشر در مورد درک حقایق امر مسلم است که غزالی بدان اذعان دارد و مساوات را در این باب مردود دانسته است. البته باید به این نکته توجه داشت که ادراک حقایق از طریق عقل انجام می‌پذیرد که ناچار باید بپذیریم که افراد آدمی از حیث عقل یکسان نیستند و هر یک با دیگری تفاوت دارند (ص ۳۲۰).

در باب علوم و معارف بشری غزالی در عین این که علم فقه و بسیاری از علوم دیگر را از جمله علوم دنیایی به شمار می‌آورد بطور کلی همه علوم و معارف را در طریق سعادت انسان و راه وصول به مقام قرب حق دخیل و مؤثر می‌داند (ص ۳۸۳). در ادامه مباحث که بیشتر رنگ منطقی دارد غزالی عقل و تعلیم را به انضمام یکدیگر در طریق شناخت حق به شمار می‌آورد (ص ۵۳۷).

\* \* \*

به هر حال کتاب مزبور را می‌توان به عنوان نقدی فلسفی که مبتنی بر تفسیر متن است تلقی کرد و نیز مبین این معنا که «برای رد فلسفه باید فیلسوفی کرد» دانست. هر چند غزالی شدیدترین انتقادات را بر فلاسفه وارد نمود اما در این مقام و در حقیقت «فیلسوف ضد فلسفه» بود. این معنا در سراسر کتاب مشهود است و در برخی موارد سعی در القاء و عزم به تکرار آن هم خالی از ملال نیست. همچنین غالب مفاهیم مورد بحث که در سی و شش فصل خلاصه می‌شوند از گستردگی و تنوع خاصی برخوردارند و شیوه تحلیل مؤلف اگر چه در فصلهایی از کتاب موجب تطویل مباحث می‌گردد اما از این حیث که جانب فلسفه تطبیقی را هم فرو نمی‌گذارد قابل تقدیر است. فی‌المثل «شک» در نزد دکارت و غزالی از نمونه‌های بارز این اهتمام است. معهذرا در سراسر کتاب سبک و اسلوب بیان مؤلف از صبغه‌ای فلسفی برخوردار است و روانی و دلنشینی آن نیز خواننده کنجکاو را به قصد نهایی مؤلف راهنمایی می‌کند.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکې  
پرتال جامع علومو انساني